

مباشرتن قبض نداده بگیرند و دفعهٔ دوم باز مطالبه کنند و عاقبت [ آن‌ها را ] مجبور به فرار کردن به پادکوبه و قفقاز و عثمانی نمایند ؟ این‌ها هستند که اولاد وطن ما را به هند و قفقاز و عثمانی ریختند و سالی سیصد هزار نفر را مجبور به رفتن به خارجه می‌کنند بلی رعیت بعد از این ندای عدل اگر درده [ ای ] بخواید به تکالیف شاقه فوق الطاقهٔ حضرات تمکین نکنند (۱) اسم سرکشی [ به آن ] می‌دهند. روز چهارشنبه ۱۲ صفر ۱۳۲۵ - از سبزوار خبر رسیده است که یک نفر خارج مذهب بازن مسلمان جمع گشته مردم ازدحام کرده هر دو را کشته اند گویا مرد ارمنی بوده است و رعیت دولت روس لکن چون مرد ارمنی خلاف قانون مذهب و مملکتی [ رفتار ] (۲) نموده است لذا امری اتفاق نخواهد افتاد .

#### اخبار خارجه دربارهٔ ایران

از لندن ۱۳ مارس - در یکی از اعظم محافل خصوصی لندن (سرکردون) خطابهٔ مفصلی در خصوص تغییرات سیاسی جدید ایران قرائت نموده و ضمناً چنین اظهار داشته که آنچه نتیجهٔ معلومهٔ بزرگ این انقلابات و هیجان ایران است تبدیل حکومت مستقله به مشروطه شده بدون آنکه خونریزی یا اغتشاش کلی واقع شود این تغییر و ترقی ممکن است که دررگ و خون ایرانیان وطن پرستی و ملت دوستی مخصوص ایجاد نماید که بعدها مملکت ایران را به این سهولت و آسانی ها نتوان تسخیر و تصرف نمود . دولت انگلیس را منتهی میل و آمال است که ایرانیان را در جادهٔ ترقی و نیکیختی و قوت ملاحظه نماید . یکی از معاریف حضار موسوم به (سیر کریفن) این طور اظهار نموده که : مجالس ملی و حکومت های مشروطه در ممالک مشرق زمین هیچوقت پیشرفت نداشته ، در این مورد هم تاحدی نیل (۳) به مقصود محل تردید و شبهه است. دیگری از اجزای پارلمان این طور اظهار عقیده نمود که اگر این تغییر سیاسی در ایران مفید و منتج نتایج حسنه افتد ، هر آینه وضع دولت انگلیس در هندوستان قدری مورد اشکال و زحمات خواهد بود زیرا که بعضی هوس ها به سر اهالی افتاده و خواهش ها خواهند کرد که قبول کلیهٔ آنها به جهت دولت انگلیس بس صعب بلکه خارج از امکان است بالاخره رئیس مجلس مزبور این طور بیانات نموده اند : امیدوارم که اهالی ایران از این تخمی که کشته اند برخوردار و از زحماتی که برده اند کامیاب شوند زیرا که استقرار و استقلال دولت و حکومت ایران باعث امنیت هندوستان و ازدیاد توسعهٔ تجارت خواهد بود (۷ صفر) .

۱ - دراصل : نکنند . ۲ - دراصل : را .  
۳ - در نسخهٔ خطی « بنیل » آمده است .

ایشا

از لندن چهاردهم مارس - در مجلس ملی انگلیس یکی از اجزاء چنین استفسار نموده که آیا دولت ایران در قرارداد و معاهده جدیدی که بین دولتمن روس و انگلیس بسته شده حرفی نداشته و ساکنند یا خیر. معاون وزیر خارجه در جواب چنین اظهار داشته که وزیر خارجه انگلیس در خصوص مقاولات و قرار دادحائمی که بین دولت انگلیس و دولت روس با دول دیگر بسته می شود و هنوز به درجه اتمام نرسیده نمی تواند اظهاری بنماید. از قرار راپورتی که از سفارت ایران مقیم انگلیس به یکی از اعظم زردشتیان رسیده تحقیقات کامله در خصوص قتل زردشتی در یزد بعمل آمده و زردشتیان ایران ابدأ نباید مضطر [ب] بوده و تصور ننمایند که مال و جانشان در معرض آسیب و خطر است زیرا که عموم اهالی ایران با نهایت مهربانی و رافت و احترام با کلیه زردشتیان سلوک و رفتار می نمایند. (۸-صفر) روز پنجم ۱۳ صفر ۱۳۲۵ - مذاکرات مجلس ابتداء قرائت نظامنامه انجمن های ایالتی بود که ما ان شاء الله صورت آن را هر وقت دست آوردیم درج می نمایم بعد از آن در باب رفتن و کلا به مجالس وزراء و ادارات دولتی مذاکره شد بعد از آن در باب عارضین و متظلمین آقاسید محسن عراقی مذاکره شد تلگرافی هم از شیراز رسیده بود قرائت شد که خلاصه مضمون آن این است :

## خلاصه تلگراف از شیراز

از شیراز به توسط جناب آقای صدرالعلماء حضور و کلاه معظم شورای ملی - زیاده از سه ماه است مجلس (۱) ایرادی نمایند هر کس دستش به منبر آقا نرسد به این روزنامه رجوع می نماید در امروز در یکی از قهوه خانه ها دیدم که این روزنامه را می خوانند خدا را شکر کردم که ما يك زمانی نمی توانستیم اسم روزنامه را در مجالس ببریم حالا مردم را راغب به خواندن روزنامه می بینیم دیگر آنکه عوام هر گاه معنی مشروطیت را بفهمند دیگر کسی نمی تواند آن ها را گول بزند اگر چه به این مطالب هم نتوان امیدوار شد چنانچه با آن ظلم های سابق که همه دیده و در همین طهران از ظلم و فشار عین الدوله مردم نان يك من سه هزار و گوشت يك من هشت هزار خوردند و امروز با اینکه هنوز بساط عدل

۱ - اینجا نسخه اصل بقدر يك ورق ( دو صفحه ) افتادگی دارد که گویا شامل تلگراف شیراز و شاید احیاناً شرح ماجرای روز ۱۴ صفر بوده است اگر چه روز جمعه بوده و بهر حال پس از این افتادگی دنباله مطالب و از جمله صورت بعضی تلگراف ها آمده است ، چنانکه در متن دیده می شود .

مهتد نكشته ولذت آزادی را نچشیده [ایم] باز تا يك اندازه دست ظالم کوتاه گشته  
نان يك من يك قرآن و نهصد دینار و گوشت يك من چهار هزار می خوردند لکن باز  
طالب ظلم و هر روز عقب يك صدائی بلند می شوند .

تلگرافی از قصر شیرین از طرف جناب حجة الاسلام آقای آقا شیخ عبدالله مازندرانی  
مخابره شده است صورت آن از این قرار است و مقصود ما از درج این تلگرافات این است  
که خواننده تاریخ بدانند که با اتمام علماء اعلام و همراهی آنها از مجلس و مشروطیت باز  
چگونه مستبدین اخلاص و دوسوسه می نمایند باری صورت تلگراف از این قرار است :

تلگراف از جناب اشرف

به توسط جناب مستطاب ملجاء الامام آقای آقا میرزا مصطفی آشتیانی  
سلمه الله تعالی به مجلس محترم شورای ملی شید الله ارکانه .

معروض می شود اگر چه بحمد الله تعالی فواید عظیم مقرر به برای این مجلس  
محترم برای دین و دولت و مملکت اجمالا مکشوف بود ولی بیانات شفاهی جناب  
مستطاب افتخار مجتهدین الفخام سرکار شریعتمدار رکن الاسلام آقای حاج شیخ  
مرتضی مجتهد آشتیانی دامت برکاته به منزله تفصیل این اجمال [است] و اهتمام  
در استحکام اساس آن از اهم و نظایف و ارکان دین پروری و فرط معدلت کامله  
ذات اقدس ملوکانه ادام الله تعالی سلطانه [د] رجاء واثق حاصل است که ان شاء الله  
تعالی در تشدید و استحکام اساس این امر بذل عنایات ملوکانه فرموده این نیکنامی  
بزرگ و عدالت انوشیروانی را به نام مبارک خود برقرار و عموم علماء و قاطبه  
رعیت را دعا گو و امیدوار خواهند فرمود ان شاء الله تعالی - الاحقر عبدالله  
مازندرانی .

لايحه ايرانيان ساكن بادكوبه

لايحه ای از طرف ایرانیان ساکنین بادکوبه در روزنامه مجلس درج شده است از این  
قرار است :

قابل توجه حضرات وکلای عظام انجمن شورای ملی دامت برکاتیم

ما جماعت فعله و فقراء کاسب که در بادکوبه و سایر نقاط قفقاز ساکن  
هستیم زیبا نا (۱) به وکلاء آذربایجان عرض نمودیم که به جهت ما فقراء کاسب اجازه  
بگیرید که چند نفر از طرف خود وکیل (۲) روانه نمایم الحال از عموم عضوهای  
انجمن شوری التماس داریم که ان شاء الله به زودی اجازه انتخاب داده شود  
که زودتر وکلای خود را روانه نمایم امیدواریم که ان شاء الله تعالی از بذل توجه

۱- کذا ۲- در نسخه خطی «بگیرید که چند نفر از طرف خود وکیل» تکرار شده .

حضرت حجة‌عجل‌الله فرجه مارا هم ابواب سعادت مفتوح گردد (امضاء و کالتاً از قبل بیست هزار نفر ساکنین چهار قریهٔ محال بادکوبه، ابن سالك اردبیلی ساکن قریه صابونچی نمرهٔ خانه ۶۱).

روزشنبه ۱۵ صفر ۱۳۲۵ - مذاکرات مجلس ابتداء تشکی از تمام نکردن کارها و نتیجه نگرفتن از امورات بود یکی از وکلا گفت در چند روز قبل در مسئلهٔ قوچان مذاکره‌ها شد گریه‌ها کردند رقت‌ها دست داد به وزارت داخله نوشتند، هنوز اثری نبخشیده می‌گویند حکومت خراسان چهارروز است وارد شده (آصف‌الدوله) اگر آقایان همراه هستند وزیر داخله را بخواهند و بپرسند چه اقدامی در این خصوص کرده‌اند مسأله‌ای که در مجلس شورای ملی مذاکره می‌شود باید منتج نتیجه شود.

یکی دیگر گفت بی نتیجه ماندن کارها تقصیر خودمان است اگر قانون راشی و مرتشی سمت قانونیت را حاصل کرده بود امروز باز منصب فروشی و حکومت فروشی نمی‌شد. پس از مذاکرات دیگر که حاصلش این بود برای فردا وزیر مالیه را احضار نمایند که در باب حساب مسبو نوز از او بپرسند چه کرده است و بعد از رفتن او کی مسئول است و برای روز سه‌شنبه وزیر داخله و وزیر عدلیه را احضار نمایند که در باب تظلمات رعایای تنکابن و خراسان و تشکیات چو بدارها و سایرین چه کرده‌اند؟ مسألهٔ تنکابن راجع به پسر سپهدار و خراسان راجع به آصف‌الدوله و چو بدارها راجع به قصاب‌های طهران است. در این موقع دو تلگراف قرائت شد یکی تلگراف تبریز و دیگری تلگراف کرمان که مضمون هر دو از این قرار است:

#### تلگراف آذربایجان

از تبریز توسط وکلاء محترم آذربایجان - حضور مجلس شورای ملی - آیا اهالی کرمان مسلمان نیستند؟ بیست‌روز است در تلگرافخانه متحصن هستند تلگرافات متظلماً آن‌ها حال اهالی اینجا را پریشان کرده استدعا آنکه به تظلمات ایشان رسیدگی شود.

#### تلگراف از کرمان

حضور مجلس مقدس شورای ملی - شما را چه رسیده که عرایض ما را جواب نمی‌گوئید؟

بعضی گفتند مقصود آنها چیست؟ جناب صنیع‌الدوله رئیس مجلس گفت: وقتیکه شاهزاده فرمانفرما در کرمان بود و کلائی به اکثریت آراء منتخب شده بعد بعضی اشخاص مدعی شده و می‌خواهند تمام آن انتخابات را بوم بزنند. جناب آقا میرزا سید محمد طباطبائی فرمود: این کارها را آقا میرزا محمود می‌کند و باید او را جواب داد.

لکن مقصود آقا میرزا محمود نه همه و کلا می باشد بلکه در ماده وکیل علماء که بحر العلوم می باشد ، متظلم است چه ، آقا میرزا محمود بر حسب دوستی که با مجد الاسلام کرمانی دارد مایل است که وکالت علما را برای مجد الاسلام برقرار نماید و جمعی که مایل به طرف بحر العلوم می باشند می گویند مجد الاسلام مدتی است که در کرمان نمی باشد ، پس صلاحیت از برای وکالت ندارد .

باری مجلس پس از مذاکرات در باب وکلاء کرمان و اینکه پنج نفر از وکلاء کرمان به طور صحت انتخاب شدند ولی [انتخاب] وکیل علماء ، باشد تا همه علماء یا اکثر آن ها متفق شوند . [ بعد ] شروع بخوانند [ن] نظامنامه بلدی شد تقریباً يك ساعت از شب گذشته مجلس ختم شد .

روز یکشنبه ۱۶ صفر ۱۳۲۵ - روزنامه ۶۲ مجلس مکتوبی درج نموده است چون خالی از فایده نیست در عوض مذاکرات مجلس در عنوان امروز درج می شود بعد از آن اشاره اجمالی به مذاکرات امروز خواهد شد .

#### مکتوب شیری نخل از روزنامه مجلس

این ایام سعادت فرجام که صبح فیروز طالع است و خورشید نیروز لامع ، دیو سراپا شر و جهالت رسید (۱) حور سراپا نور عدل و سعادت در آرامشگاه امید آرمید گلش از گل بشکفت و به آواز بلند بگفت :

ساقی بیا که یار ز رخ پرده برگرفت کار چراغ مجلسیان باز در گرفت  
غبار غم انگیز ظلمت ریز عداوت خیز که تمام آفاق ممالک ایران را  
فرو گرفته هوا را کثیف کرده بود ، ماوراء جبال قاف شد و هوا روح افزا و لطیف  
وصاف . آتش جهل و استبداد بولهبی [را] که التهاب بود و جز هیمه کشی کارش  
نبود چگونه انوار مشاورات مجلس آرای محمدی و مشاهدات جمال عدیم المثال  
قوانین احمدی فسرده و خاموش کرد سر و دستش بخت و گردنش به ریسمان  
مشروطیت محکم بست . دجال بدمال که جز تخم ظلم و ضلالت نمی افشاند چگونه  
مهدی صاحب زمانش به نیروی بازوی حق و عدل مطلق از بالای خرش کشاند و  
بخاک سیاهش نشاند .

کجاست ظالم دجال چشم ملحد شکل بگو [بسوز] که مهدی دین پناه رسید  
ایام بدبختی و نفاق سرآمد و روز خوشبختی و اتفاق برآمد ، الحمدلله  
شکر المولی که اساس مجلس دارالشورای ملی اسلامی محکم شد و سلطنت مستبدانه  
ایران مشروطه مطلقه شد . همان شد که اساس مذهب اسلام بر آن بود تا رای

واحد حکم نراند ، دو اسبه ندواند ؛ چشم ایرانیان روشن ، دل ملت پرستان و مجلس خواهان گلشن که از امروز ما ایرانیان مجلس شورای مقدس ملی داریم دیگر طعن ولعن بیگانگان نمی‌شنویم بی‌جرم و گناه سرها بی‌تن و تن‌ها بی‌سر نمی‌شوند آه سینهٔ مظلومان داغ‌دیده به آسمان نمی‌رود . زنان ایل کرمان بی‌تقصیر اسیر نمی‌شوند ، در سرای هر امیر و وزیر به خدمات و زحمات موظف نه ؛ و دختران نوری قوچان را مژده‌باد که دیگر به آرامنهٔ عشق آباد فروخته نمی‌شوند از این سپس پستان‌ها بریده نمی‌شود و گوش‌های زنان به طمع گوشواره به دست محصلان ارباب تیول دریده نمی‌شود و آتش به باغات و عمارات نمی‌زنند و به ناموس رعیت چشم طمع نمی‌آورند ایل [ها] و عشایر ایران به بهانهٔ خراج تاراج نمی‌شوند و هر ده خانوار به دیگی محتاج . دیگر ارباب تیول و دهات از رعیت سیورسات نمی‌چرند . مرغ و بره و گوسفند و کره نمی‌برند ، از بیوه زن بی‌نوا که قوت روزش به زور چرخ و دوک بسته مالیات و سر باز نمی‌گیرند و به یتیمان صغیر واجب‌الرعاية تحمیل خراج دیوانی نمی‌کنند .

عاقبت آه مظلومان ایران کار خود کرد . چنان آه آتش زایشان برافروخت که سرای پروانهٔ [ستم] راه‌رچه داشت بسوخت تا دیگر طمع در شمع جمع نکند و خود را به هر لاله و شمع نزند . این اوقات فرخنده آیات و کلاء محترم فرشتهٔ امارت از هر ایالت پی‌درپی می‌رسند و مرکز ایران یعنی طهران را رشک بهشت برین می‌نمایند مگر از ایالت شیراز ، یاللعجب که هنوز با ما هم آواز نشده نمی‌دانم چرا در خواب غفلتند و اقامت خواب یا بیدار هستند یا هشیار گمان نکنند که در بستر نرم خفته [اند] فردا که بیدار شوند، دانند که در خاکستر نرم فرو رفته [بوده‌اند] خاک شیراز که همیشه معدن انوار تابناک بوده و موطن زنده دلان با ذوق و ادراک ، آیا چه شده ؟ مگر تازه سفله و بلاهت پرور شده و به جای شهید شکر معرفت حنظل جهل و غفلت بارور . آب و هوای نشاط انداز شیراز که خال رخ هفت کشور بوده چرا به غبار ملال آلوده ؟ ملکی که آرامگاه دانایان فاضل و آرایشگاه آگاهان کامل بود اکنون مردمش در عالم والهی و بی‌آگاهی بی‌سوده و : حیف باشد که تو در خوابی و نرگی بیدار - بیدار شو سراز بالین بردار چشم از بالین نوشین بکشای ، ارادتی بنما تا سعادت پیبری . از آن روز ترسم که کف بر کف سوده تأسف خوردید و تلفی برید که چرا در این امر با فرهنگ درنگ کردیم و آهنگ مطلوب نکردیم ؟ بیدار شوید دیده‌ها بمالید که آفتاب تابین دیوار است و کلاء محترم ملت پرست خود را هر چه زودتر انتخاب کرده روانه نمائید تا مل تعطیل رواندارید ، کوه در رقص آمد و چالاک شد ، سنگین تر از کوه نیستید

و خون شما از دیگران رنگین تر نی . مسامحه چرا ؟ ماطله چرا ؟ شما که لب در بایند لامجاله جوش و خروش از دریا یاد بگیرید حرکت از سفاین برکت از بنادر و فیض و نصرت از خدای قادر بخواهید در خانه اگر کس است يك حرف بس است و الارنج عبث است - انتهى .

این مکتوب چون کشف از حال ایرانیان و بدبختی آنان بود درج گردید . مذاکرات مختصر مجلس جواب تلگراف متحصنین کرمان (۱) که در تلگرافخانه متحصن شده و وکالت بحر العلوم را قبول نمی کردند، قرائت شد که خلاصه آن قریب به این مضمون است :

#### خلاصه تلگراف جوابیه کرمان

عموم متحصنین تلگرافخانه کرمان، تلگراف مکرره (۲) شما در باب انتخابات کرمان رسیده و از طرف مجلس هم جواب های متعدده داده شده ازقراری که صورت انتخاب منتخبین درمجلس اظهارشد سوی يك نفر وکیل طبقه علماء تماماً به موجب نظامنامه انتخابات صحیح بوده و تلگراف شد و کلاء حرکت نمایند در این صورت ماندن شما در تلگرافخانه معنی ندارد ، اگر حرفی دارید یکی دو نفر از جانب خودتان بفرستید اینجا تا رسیدگی بعمل آید . ( مجلس شورای ملی ) .

در باب نظامنامه بانک ملی مذاکره شد که به امضاء دولت نرسیده است . در باب متمم قانون اساسی مذاکره شد و قرار شد روز شنبه یا یکشنبه آتی در مجلس خوانده شود .

در باب نان شهر و خبازخانه طهران مذاکره شد .

در باب حساب مسیو نوز مذاکره شد .

در باب استقراض دولت از بانک مذاکره شد بعد رقعته وزارت عدلیه که در جواب رقعته مجلس نوشته بود قرائت شد قریب به این مضمون است :

مکتوب وزارت عدلیه

مرقومه مطاعه در باب اخطار حاج ملکالتجار و احضار خود بنده در روز دوشنبه دو ساعت به غروب مانده وصول یافت شرحی به حاج ملکالتجار نوشته شد که حاضر شود و خودم هم روز دوشنبه در ساعت مقرر حاضر خواهم شد - فرمانفرما .

۱ - در اصل ، کرمان را ، و پیداست که «را» زائد است .

۲ - در نسخه خطی «مکرره» آمده است و پیداست که سهواً قلم است .

دبیرالملك معاون وزارت داخله رقعہ [ای] از طرف وزیر داخله ارائه داشتند قرائت شد خلاصه مضمون آن این است :

رقعہ وزارت داخله

خلاصه آن - اینکه درباب انتخاب وکلای کرمان و شکایت جمعی که در تلگرافخانه متحصن هستند سابقاً شرحی زحمت دادم و خود شاهزاده فرمانفرما وزیر عدلیه هم حضوراً تفصیل را اظهار داشته اند اکنون کتابچه و رقعہ دعوت انتخابات کرمان مرتباً رسیده به مجلس محترم فرستاده شد که کاملاً از صحت انتخابات آنجا مستحضر شوید به این ترتیب حالت متحصنین تلگرافخانه معلوم است که از روی اغراض شخصی است لازم است از طرف مجلس اقدامی شود که این چند نفر از تلگرافخانه رفته و این کارها را موقوف دارند .

دبیرالملك پس از خوانده شدن رقعہ مزبور کتابچه و رقعہ احضاریه و ورقه‌های قرعہ انتخابات وکلای کرمان را ارائه داشتند و عموم وکلاء محترم تصدیق نمودند که در کمال صحت و اعتبار است و وکالت پنج نفر از آن‌ها ثابت و بدون اختلاف است اسامی پنج نفر از این قرار است : جناب شمس‌الحکماء وکیل اعیان و اشراف - جناب آقاییحیی وکیل ملاکین - جناب آقا شیخ محسن خان وکیل قاجاریه - جناب معاون‌التجار وکیل تجار - جناب آقا میرزا حسن وکیل اصناف کرمان .

روز دوشنبه ۱۷ صفر ۱۳۳۵ - امروز صورت تلگراف سپه‌دار را که از رشت به عنوان سردار منصور رسیده بود و دیروز در مجلس قرائت شده دست آوردیم که مضمون آن از این قرار است :

مضمون تلگراف از رشت

خدمت سردار منصور - حاج خمایی بطور قهر عازم طهران ، علمای دیگر هم حرکت می‌کنند رنجش از حاج آقا رضا و انجمن‌های متعدده خاصه از اشخاص بی‌کار مفت‌خور که باعث مفسده هستند، دارند. باری وضع خوشی نیست الخ. از طرف مجلس بنا شده دو نفر نماینده بروند به رشت و انجمن صحیحی تشکیل دهند. امروز در انجمن مخفی بعضی شبنامه‌ها طبع شد اگر چه هنوز در این انجمن اقدامی برخلاف مشروطیت نشده است و اجزاء عموماً بد می‌گویند از شیخ زین‌الدین و اکبر شاه و سید محمد تفرشی ولی مثل انجمن اولیه منزله نیست و ارشادالدوله همه وقت در خیال ترویج از امیر بهادر است چه مجلدات و وسایل ، را که امیر بهادر طبع کرده است از برای اجزاء گرفت و امروز يك دوره هم به بنده نگارنده رسید دیگر آنکه ارشادالدوله اقدامات معنوی می‌کند از برای زمین زدن فرمانفرما وزیر عدلیه یا اینکه صلح دهد بین فرمانفرما و امیر بهادر.



وکلای ولایات هم متعاقب یکدیگر می‌رسند وکلای کرمان هم از کرمان بیرون آمده در بین راه می‌آیند در روزنامه «اللواء» نوشته است وکلای مجلس شترسوار وارد مجلس می‌شوند و روزنامه مجلس هم تکذیب این شایعه را نموده است [!] لکن می‌توانم بگویم چون جناب آقا یحیی وکیل کرمان ده نفر شتر از برای سواری و حمل اسباب خود کرایه کرده است و الیوم از یزد حرکت کرده است ، شاید این واقعه اشاره باشد به ایشان ، چه وکلای خارجه با خط آهن و درشکه و کالسکه مسافرت می‌نمایند و دوفتر از وکلای کرمان یکی جناب آقا یحیی و یکی جناب شمس‌الحکماء برادر نگارنده از کرمان با شتر روانه شدند به این جهت در روزنامه «اللواء» نوشته است وکلای مجلس شترسوار وارد می‌شوند گویا در ترجمه اشتباه شده است و می‌بایست بنویسد با شتر یا قاطر به طرف طهران مسافرت می‌کنند ؛ به طرف مجلس نوشته است .

روز سه‌شنبه ۱۸ صفر ۱۳۲۵- امروز وزیر عدلیه و وزیر داخله برای بعضی توضیحات در مجلس شورای ملی حاضر شدند . بدو رئیس مجلس گفت چند فقره مطالب ایام سابقه در مجلس مذاکره شده و لازم است از طرف اعضاء محترم مجلس از حضرت والا وزیر عدلیه و همچنین از جناب وزیر داخله توضیحاتی و سئوالاتی درباب آن مطالب بشود ، دو فقره راجع است به جماعت چوبدارها (گوسفند فروشان) که اتصالاً تشکی دارند ، معلوم شود پول آن‌ها پیش کی است ، استرداد شود ؛ و به رعایای عراق که از دست حاجی آقا محسن بعضی تظلمات دارند و خیلی عرض حال نموده‌اند . دوفقره هم راجع است به آصف‌الدوله و استرداد اسراء . جناب سعدالدوله می‌خواهند این سئوالات را بنمایند . سعدالدوله [گفت] سئوالات منحصر به همین‌ها که جناب رئیس فرمودند نیست ؛ چند فقره سئوالات اصلی است که باید استفسار شود اولاً- عموماً عرض می‌کنیم وزراء حافظ حقوق دولت و ملت هستند و این مجلس ، مجلس سیاسی مملکت است چرا باید غالباً روز را ، یعنی اوقاتی که کارندارند در این مجلس حاضر نباشند که از کارها مطلع شده به‌شور یکدیگر اصلاح و تصفیه نمایند ؛ این اوقات کارهای عمده اتفاق افتاده از جمله عزل شاهزاده ظل‌السلطان و حکومت تنکابن و خراسان ، این‌ها را کی عزل کرد ؛ دولت عزل کرد یا مردم اجماع نموده عزل کردند ؛ البته نباید مغرور شویم که از اجماع مردم واستدعای مجلس [بوده است] هر گاه وزراء حاضر می‌شدند و اسناد دفاعیه اظهار می‌داشتند و تحقیقات بعمل می‌آمد ، شاید بعضی ، یعنی همین حکام معزول ، امروز بعضی گفت‌وگوها نکرده و طعن نمی‌زدند که ما را به جهت چه معزول کردید ؛ گمان نمی‌کنم حالا دیگر صحیح باشد با سلطنت مشروطه و «کنستی توسیون» بدون استنطاق و تحقیق کسی معزول شود . چون وزارت داخله حاضر نشدند و اسناد دفاعیه حاضر نکردند ؛ این گونه گفت‌وگوها [را]

حکومت‌ها می‌نمایند و این سئوالات راجع بود به وزارت داخله، امیدوارم بعد از این هروقت بی‌کار هستند، تشریف بیاورند به مجلس و اطلاع از کارهای داخله مملکت حاصل نمایند که به‌همدستی یکدیگر [کارها] اصلاح شود. اما آن چیزی که راجع به وزارت عدلیه است: بدو اکمیسونی تشکیل بدهند در خصوص این حکام معزول شده که در آنجا تحقیق شود اگر تقصیر داشته‌اند، معزول شده‌اند بسیار خوب و الا ترضیه بخواهیم مگر ما نمی‌خواهیم ترقی نمائیم؟ مگر ما نمی‌خواهیم مملکت ما ترقی نماید؟ مگر ما نمی‌خواهیم اشاء عدل و مساوات شود؟ وزیر عدلیه گفت: آنچه که نسبت به عدلیه گفتید البته همه می‌دانید ده پانزده روز است که عدلیه به من رجوع شده، در این مدت اول مشغول اصلاح کارهایی که ابتدائی و شروعی است، بودم مثلاً [هر] جای صحیح نبود دادم تعمیر کردند و اطاق‌ها را با سایر لوازمات معین کردم. دویم کاری که کرده‌ام از اشخاصی که ترکی و عربی و فرانسه خوب می‌دانند کمیسونی ترتیب داده و اسباب راحتی آنها را فراهم کرده [ام] و مشغول ترجمه قوانین هستند بعد از آنکه ترجمه شد فقره به فقره در کمیسونی علیحده که ترتیب داده‌ام، از عقلا و دانشمندان مملکت جمع شده ملاحظه و تصویب نمایند. آنوقت کتابچه شده بیاید مجلس محترم پس از تصویب، مدون و چاپ شده مجری شود و این کارها مدت و مرور زمان می‌خواهد مع هذا چون تراکم عارضین زیاد [بود] و بعضی عرایضی که فوتی بود، برای رسیدگی به آنها ترتیب چند اطاق داده و عرض حال و احضارنامه چاپی قرار گذاشته که به ترتیب و به اقتضای وقت رسیدگی و مذاکره می‌شود و این نسبت به حال حالیه عدلیه است و امیدوارم ان‌شاء الله روز به روز از مراحم اعلیحضرت شاهنشاه و توجهات مجلس محترم شورای ملی، کارها را پیش برده و بهتر از این‌ها بشود.

سعدالدوله گفت: این ترتیبات را شنیده‌ایم بسیار خوب است و آن اشخاصی که آنجا هستند خیلی طرف اطمینان مجلس می‌باشند ولی نمی‌شود مردم را معطل گذاشت عجلاله يك کمیسونی ترتیب بدهید به جهت همین حکام و به‌رغایا بنویسید هر کس عرضی و تظلمی دارد بیاید این‌جا رسیدگی و احقاق حق شود. لیکن يك مسأله‌ای است که خیلی اهمیت دارد و آن رشوه است که خانه ایرانی و ایران را خراب نموده و قدم از قدم بر نمی‌دارند. یکی هم واسطه است که بدتر از رشوه است هروقت توانستید رشوه را کشتید، آن وقت این مملکت ترقی خواهد کرد.

وزیر عدلیه گفت: اما مسأله رشوه، این مجلس، مجلس علنی است و من می‌گویم و از عهده آن برمی‌آیم که من يك نفر قول می‌دهم و متعهد می‌شوم يك دینار؛ يك شاهی، خودم و کسانم تا حالا نگرفته‌اند و نخواهند گرفت، حال کسی محرمانه گرفته است، نمی‌دانم.

سعدالدوله گفت: این‌ها را نمی‌توان قبول کرد وقتی که يك وزیر مقابله همجو مجلس